

بررسی و تحلیل ماهیت کاربری معماری دستکند امامزاده معصوم شهرستان مراغه

سعید ستارنژاد^I، حسین ناصری صومعه^{II}، اسماعیل معروفی اقدم^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.19002.1936

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۳۴-۲۱۳

چکیده

پس از کشف آثار دستکند در ایران در چند دهه اخیر، ماهیت و کاربری این آثار همواره مورد بحث بوده است. ردپای بسیار کم‌رنگ و مبهم از عصر پدید آمدن این آثار به جای مانده، از آن روی امکان گاهنگاری و کاربری دقیق و مطلق برای پژوهشگران و علاقه‌مندان آثار صخره‌ای دشوار کرده است؛ از سویی دیگر، ماهیت صخره‌ای و غار بودن این محل‌ها بیشتر پژوهشگران را بر آن داشته که آن‌ها را به آئین مهرپرستی نسبت دهند. به هر روی، مطالعات اخیر درباره محوطه صخره‌ای روستای «ورائوی» مراغه (موسوم به «امامزاده مُلامعصوم» یا «معبد مهر») که تاحدودی از نظر داده‌های باستان‌شناختی غنی‌تر است، دلایل بیشتری برای انتساب این آثار به دوره اسلامی ارائه می‌دهد؛ هرچند که پژوهش‌های ژرف و دقیق، به گمانه‌زنی‌های باستان‌شناختی و علمی نیاز دارد. در این پژوهش سعی شده، با تکیه بر تحلیل‌های فضایی و داده‌های مقایسه‌ای، برای روشن‌تر شدن گاهنگاری و کاربری بنای حاضر به نکاتی پرداخته و شناختی باستان‌شناسانه ارائه شود که پیش از این مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و سپس با روش‌های تحلیلی و تطبیقی به دنبال پاسخ به پرسش‌های ذیل است؛ (۱) گاهنگاری نسبی و زمان شکل‌گیری مجموعه آثار دستکند و رجوی مراغه چه بوده است؟ (۲) کاربری فضاهای این مجموعه چیست؟ فرضیه‌های مطرح شده در راستای پرسش‌های فوق عبارتند از: زمان ایجاد این مجموعه دستکند براساس میانی گاهنگاری نسبی که به صورت تطبیقی انجام می‌گیرد، کاربری اولیه مجموعه دستکند و رجوی یک معبد بودایی متعلق به دوره ایلخانی پیشنهاد می‌شود که بعد از اصلاحات دینی «غازان خان»، تبدیل به خانقاه می‌شود؛ بر همین اساس منسوب دانستن این محوطه به آئین مهرپرستی دور از ذهن است. در نهایت، اگرچه گاهنگاری دیگر نیایشگاه‌های صخره‌ای نیازمند پژوهش مستقل است، به نظر تاریخ‌گذاری و کاربری نسبی فضاهای دستکند امامزاده معصوم مراغه‌ای بتوان برای این آثار راهگشا باشد.

کلیدواژگان: مجموعه دستکند امامزاده معصوم، معماری دستکند، گاهنگاری، کاربری، معبد بودایی.

مقدمه

فضاهای دستکند، گونه‌های خاصی از معماری که در آن مصالحی برای تولید فضا استفاده نمی‌شود و با زدودن توده‌های صخره‌ای توسط انسان از بستر کوه و صخره، فضا ایجاد می‌شود. این معماری در هر منطقه به دلایل اقلیمی و شرایط زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است (محمدی‌فرو و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۹۸). بر همین اساس، هر بنای دستکند براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن ناحیه (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸) و مطابق با نیازهای ساکنان شکل می‌گیرد. گاهی آثار معماری دستکند و صخره‌ای با جنبه‌های اعتقادی و دینی بشر پیوند عمیق دارد. از علل مهم تمایل انسان در مکاتب مختلف بر معماری صخره‌ای، ساختار دینی و مذهبی جامعه بود که روی آوردن به صخره‌ها و کوهستان‌ها را ایجاب می‌نمود (محمدی‌فرو و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

در منطقه شمال غرب ایران، تاکنون شماری معابد صخره‌ای شناسایی و معرفی شده است (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از وسیع‌ترین نیایشگاه‌های صخره‌ای منطقه، نیایشگاه دستکند امامزاده معصوم مراغه‌ای است. این مجموعه، نخستین بار در دهه پنجاه هجری شمسی با عنوان «معبد مهری» معرفی شد (کارنگ، ۱۳۵۰: ۴۴). اصولاً ویژگی بارز دستکند و غارمانند بودن معابد میتراپی در اروپا، سبب شده است که هر فضای معماری که در ایران با این سبک و سیاق پدید آمده را معبد مهری معرفی کنند و این در حالی است که شواهد دیگری که در میترائیوم‌های رومی یافت شده، در این آثار شناسایی نشده است (لباف، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۱۰۱). نیایشگاه دستکند امامزاده معصوم نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به نظریات ارائه شده، تاریخ ایجاد مجموعه دستکند میان یک معبد مهری، آشکده زردشتی، خانقاه و مسجد اسلامی و حتی یک امامزاده شناور است و متخصصان و صاحب نظران تاریخ‌های متفاوتی برای این بنا ذکر کرده‌اند.

در پژوهش حاضر، کوشش شده تا با نگاهی نو و ریزبینانه‌تر به مجموعه دستکند صخره‌ای امامزاده معصوم و با تکیه بر تحلیل‌های فضایی و داده‌های مقایسه‌ای، شناختی باستان‌شناسانه ارائه و یک سری اصلاحات در نوشته‌های پیشین انجام پذیرد؛ بنابراین درک صحیح این مجموعه و تفسیر زمان ایجاد آن در چارچوب گاهنگارانه و تحلیل کاربری فضاهای آن می‌تواند خود زمینه مطالعاتی مناسبی برای تفسیر نیایشگاه‌های دستکند در مناطق همجوار باشد که درباره آن‌ها مطالعاتی انجام شده است و یا در آینده پژوهش خواهد شد.

پرسش و فرضیات پژوهش: انجام این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی در رابطه با مجموعه بنای امامزاده معصوم است؛ (۱) گاهنگاری نسبی و زمان شکل‌گیری مجموعه آثار دستکند و رجوی مراغه چه بوده است؟ (۲) کاربری فضاهای این مجموعه چیست؟ فرضیه‌های مطرح شده در راستای پرسش‌های فوق عبارتند از: زمان ایجاد این مجموعه دستکند براساس مبانی گاهنگاری نسبی که به صورت تطبیقی انجام می‌گیرد، مربوط به دوره ایلخانی است که شواهد این ادعا در مجموعه امامزاده معصوم وجود دارد که در راستای انجام پژوهش بررسی

شده و کاربری آن به‌عنوان محل تجمع و نیایشگاه بوداییان ساکن شهر مراغه و مجموعه علمی رصدخانه است.

روش پژوهش: در این پژوهش، در وهله اول سعی خواهد شد با استناد به داده‌های جمع‌آوری و مستندنگاری شده و هم‌چنین اطلاعات کتابخانه‌ای، مجموعه را با رویکردی باستان‌شناسانه و به‌روش توصیفی، معرفی و سپس با روش‌های تحلیلی و تطبیقی به‌همراه رویکرد باستان‌شناسی فضایی به ارائه گاهنگاری نسبی و کاربری آن پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، تحقیقاتی به‌صورت مکتوب در مورد معماری دستکند امامزاده معصوم و کارکرد و گاهنگاری آن توسط محققان ایرانی و غیر ایرانی انجام شده است. در این میان محققانی نظیر «ورجاوند» (۱۳۵۱؛ ۱۹۷۵)، «کامبخش‌فرد» (۱۳۷۳)، «وارویک بال» (۱۹۷۹) به تشریح کامل‌تری از مجموعه پرداخته‌اند. از میان محققان دیگر نیز در دهه‌های اخیر افرادی چون «شکاری‌نیری» (۱۳۷۲؛ ۱۳۸۵)، «شجاع‌دل» و «علیپور» (۱۳۸۴) و «آزاد» (۲۰۱۰) هرکدام سعی کرده‌اند به بررسی مجموعه بپردازند؛ هم‌چنین در راستای پاک‌سازی فضاهای داخلی مجموعه دستکند، در دهه هفتاد و هشتاد هجری شمسی توسط میراث‌فرهنگی اقداماتی انجام شده است که نتایج آن منجر به شناسایی فضاهای دستکند A و قبور داخل فضای B (کف نیایشگاه) شد (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۶). در اواخر دوره قاجاریه، «ویلیامز جکسن» امریکایی برای نخستین بار بدون ذکر نامی مشخص از این مجموعه، به گفتن این نکته بسنده می‌کند که «در نزدیک مراغه زیرزمینی یا آتشگاهی هست که آنجا را پرستشگاه زرتشت می‌شمارند» (۱۳۵۷: ۷۹). با توجه به نوشته جکسن به نظر می‌رسد که احتمالاً این مجموعه در دوره قاجاریه و پهلوی به آتشکده زردشت معروف شده است و احتمالاً این اظهار نظر سبب شکل‌گیری زمینه فکری پژوهشگران بعدی بوده است. این مجموعه دستکند در سال‌های اخیر نیز توسط محققان مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است (ر.ک. به: ستارنژاد، ۱۳۹۵)؛ که در این میان مطالعات ژئوفیزیک محوطه توسط «کوروش محمدخانی» (۱۳۹۳)، ساختارشناسی ملاط‌های تاریخی و اندود نیایشگاه توسط «مهدی رازانی» و «یاسر حمزوی» (۱۳۹۷) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

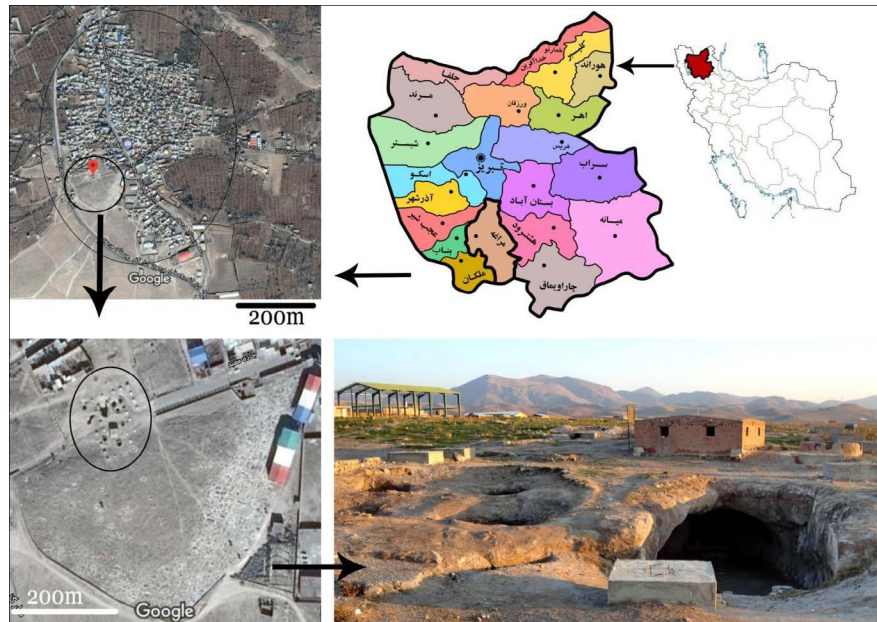
مبانی نظری پژوهش

از کاربردی‌ترین رویکردهای مطالعاتی که می‌توان در راستای تحلیل کاربری مجموعه‌های دستکند از آن استفاده کرد، رویکرد باستان‌شناسی فضایی است (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹). این رویکرد علمی، بازیافت اطلاعات تمدن‌های کهن از طریق مطالعه ساختارهای معماری و فضاهای استقرار و شبکه‌های مؤثر درون سایتی و برون سایتی پیرامون آن‌هاست. از آنجایی که این علم با بهره‌گیری از علوم متعدد در سطوح مختلف فضاهای معماری و بافت‌های کهن ادوار مختلف را مطالعه می‌کند، می‌تواند

به طور گسترده مورد استفاده متخصصان پیش از تاریخ تا قرون معاصر قرار گیرد (کریمیان و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۰۴). مطالعه فضاهای برجمانده، سهم بسزایی در درک ساختار سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع به وجود آورنده آن‌ها ایفا می‌کند (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۱۲)؛ بر همین اساس، باستان‌شناسی فضایی در گونه‌های مختلف قابلیت پژوهش دارد، که یکی بررسی فضاهای یک مجموعه معماری که پژوهشگر اقدام به گردآوری کلیه شواهد و مدارک موجود در رابطه با کاربری فضاها و موارد استفاده در محیط درونی آن‌ها می‌کند. در این روش، پژوهشگر اقدام به آزمایش فرضیات مختلف در رابطه با کاربری فضاها، تطبیق فضاها با نمونه‌های مشابه و مدل‌سازی براساس ابعاد و اندازه‌های موجود و آزمون مدل‌ها در رابطه با فرضیات مطرح شده می‌کند (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹). براساس این مقدمه کوتاه، در پژوهش حاضر تلاش شده است با در نظر گرفتن مفهوم فضا در معماری، ابتدا به گردآوری کلیه شواهد و مدارک موجود در رابطه با کاربری فضاها در محیط درونی و بیرونی آن‌ها شود که شامل: محراب، ستون مرکزی، طاقچه‌های دستکند کم عمق، نقش‌مایه اسلیمی، فضاهای چله‌خانه، راهروی تاریک، پوشش شیروانی و مسطح و کتیبه قرآنی است. نگارندگان، با در دست داشتن عناصر فوق و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه در ایران و نیایشگاه‌های آسیای مرکزی و تطبیق با متون تاریخی به نتایج مطلوبی دست یافته‌اند.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

روستای ورجوی که به زبان بومی (ترکی) «وَرَأووی» (Var-Övi) خوانده می‌شود (Azad, 2010: 215)، در استان آذربایجان شرقی و ۶ کیلومتری جنوب شرق شهرستان مراغه (کارنگ، ۱۳۵۰: ۴۴)، واقع شده است. این روستا در مسیر شهرستان تکاب (Farahi Nia & AliJabbari, 2017: 1033) و راه تاریخی مراغه-سیسر قرار دارد. روستای ورجوی از قدیمی‌ترین مناطق زیست انسانی در منطقه شمال غرب ایران است که شواهد و آثار انسانی از دوره پارینه‌سنگی میانی تا دوره اسلامی متأخر را در خود جای داده است (ستارنژاد و پروین، ۱۳۹۷: ۷). این روستا به دلیل برخورداری از موقعیت کلیدی و شرایط محیطی، همواره مورد توجه بوده و باعث شکل‌گیری آثار تاریخی در این روستا شده است؛ از جمله آثار فرهنگی شایان توجه در این روستا که می‌تواند به عنوان شواهدی از جایگاه و اهمیت این روستا در مطالعات باستان‌شناسی، تاریخ ادیان، معماری و سایر علوم مورد توجه قرار گیرد، معماری صخره‌ای زیرسطحی، محوطه امامزاده معصوم است. این مجموعه صخره‌ای، ابتدا با شماره ثبتی ۷۸۸ با نام «امامزاده ملا معصوم مراغه‌ای» و مجدد در سال ۱۳۵۶ با نام «نیایشگاه مهری» و به شماره ثبتی ۳/۱۵۵۶ در فهرست آثار ملی ثبت شده است (مخلص، ۱۳۷۱: ۱۶۸). این مجموعه دستکند در مختصات جغرافیایی ۶۰۹۷۰۴/۵۰ متر شرقی و ۴۱۳۲۴۶۸/۶۳ متر شمالی و زیر قبرستان تاریخی روستای ورجوی قرار دارد. براساس کتیبه‌های نقر شده، قدمت بیشتر این سنگ‌قبرها مربوطه به سده نُه و ده هجری قمری است (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۳: ۱۵۳). این گورستان به شماره ۹۴۱۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (تصویر ۱).



► تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی شهر مراغه در ایران و معماری صخره‌ای معبد ورجوی (رازانی و حمزوی، ۱۳۹۷: ۴).

توصیف و معرفی فضاهای دستکند

محوطه دستکند امامزاده معصوم مراغه‌ای، چسبیده به روستا و زیر قبرستان تاریخی و فعلی روستای ورجوی قرار دارد. این محوطه جزو فضاهای دستکند زیرسطحی بوده که از این حیث با مجموعه صخره‌ای سامن ملایر (خاکسار، ۱۳۸۷)، ارزانفود همدان (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵)، قدمگاه آذرشهر (ورجانوند، ۱۳۵۵)، آب‌آذر نیر (میرفتاح و شکاری، ۱۳۶۷) و مجموعه دستکند تپه زصدخانه (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷) قابل مقایسه است. محوطه تاریخی امامزاده معصوم، شامل: قسمت اصلی نیایشگاه، چله‌خانه صخره‌ای سمت غربی نیایشگاه، محوطه منسوب به اصطبل است؛ هرچند براساس گفته مردم محلی و مطالعات ژئوفیزیک، وسعت محوطه دستکند زیرسطحی وسیع‌تر است و بخشی از این فضاهای دستکند، زیر خانه‌های مسکونی روستا قرار دارد. برای تشریح و توصیف دقیق‌تر این فضاها، به ترتیب از سمت غرب: فضای چله‌خانه دستکند «A»، فضای نیایشگاه «B» و فضای منسوب به اصطبل «C» با نام‌گذاری شد (تصویر ۲).

فضای A

فضای A در غربی‌ترین قسمت محوطه و زیر قبرستان تاریخی ایجاد شده است. این فضا در فاصله ۸۰ سانتی‌متر سمت غربی فضای B قرار دارد. فضای مذکور به صورت زیرسطحی در بستر صخره تراشیده شده است. راه ورود به فضای A در سمت شمال بوده و به صورت نامتقارن که با شیب ملایم ایجاد شده است. این فضا در راستای شرقی-غربی به عرض ۵۹۰ سانتی‌متر و طول آن به طور متوسط ۹ متر است. در فضای A تعداد ۶ فضای دستکند با پوشش طاق‌آهنگ ایجاد شده که فضاها در دو سمت شرقی و غربی و مقابل هم قرار دارد. تعداد ۳ فضا در ضلع غربی و ۳ فضا



تصویر ۲. موقعیت فضاهای دستکند مجموعه امامزاده معصوم (Google Earth).

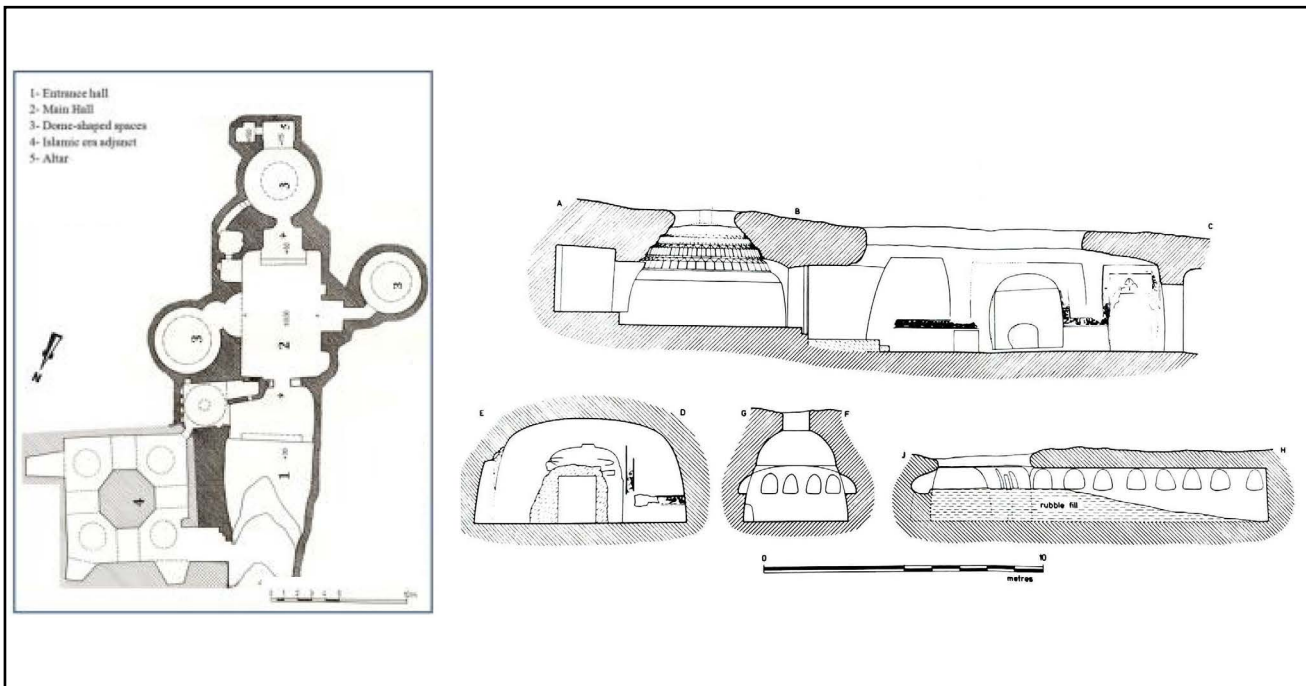
در ضلع شرقی در بستر صخره تراشیده شده است. فضاهای ایجاد شده به ابعاد 180×157 سانتی‌متر و ارتفاع آن به طور متوسط 240 سانتی‌متر است. این فضاهای ایجاد شده دارای دهانه ورودی به ارتفاع 109 سانتی‌متر و عرض 50 سانتی‌متر تعبیه شده و با استناد به فرضیه استفاده انسانی از این فضاها برای نشیمن مورد آزمایش قرار گرفته است. پدیده‌ای که در این فضاها جای تأمل دارد، برش قسمت فوقانی دهانه ورودی است؛ به طوری که دیواره قسمت دهانه از نقطه پایان سقف دهانه تا قسمت سقف فضا، به طور کامل تراشیده شده و حالت یک سکو با سطح نامتقارن ایجاد شده است. در داخل بعضی از این فضاها، سکوی نشیمن به ابعاد $60 \times 60 \times 30$ سانتی‌متر تعبیه شده است. بر همین اساس، این فضاها به عنوان محل نشیمن ایجاد شده است (تصویر ۳). براساس بررسی‌های که توسط نگارندگان انجام شده، کار تراش این قسمت از مجموعه همانند سایر فضاهای دستکند، ناتمام باقی مانده است.

تصویر ۳. فضاهای دستکند A (نگارندگان، ۱۳۹۸).



B فضای

فضای B، یا فضای نیایشگاهی قسمت اصلی و مهم این مجموعه دستکند است که با تراش غار طبیعی و گسترش آن به صورت یک نیایشگاه درآورده‌اند (438 Ball, 1979: 330; Smith, 1979: 329). دهانه ورودی این نیایشگاه رو به سمت شمال و هم‌راستا با رصدخانه خواجه نصیرالدین توسی است. دهانه ورودی با شیب متوسط ایجاد شده که اخیراً توسط میراث‌فرهنگی پله‌های سنگی تعبیه شده و تعدادی از پله‌های سنگی به‌کاررفته از نوع سنگ قبرهای محوطه است. عرض راهرو ورودی در قسمت جلو ۷/۲۰ متر و در انتها ۶/۲۰ متر و عمق قسمت سرپوشیده آن حدود ۴/۷۰ متر می‌باشد. در انتهای این فضا، ورودی دیگری به عرض ۱/۸۰ متر در صخره تراشیده شده است (ورجوند، ۱۳۵۱: ۹۳). پس از دالان ورودی تالار مرکزی و فضاهای متعدد پیرامون تالار مشاهده می‌شود (تصویر ۴).



▲ تصویر ۴. پلان و برش فضای B (شکاری نیری، ۱۳۸۵؛ Ball, 1979: 331-333).

در فضای شرقی (سمت چپ) قسمت ورودی یک فضای در دل صخره، ایجاد شده که پلان آن به صورت مربع به ابعاد آن ۱۰×۱۰ متر است. در وسط این فضا، یک ستون به صورت هشت ضلعی به قطر آن ۵/۵ سانتی‌متر قرار دارد. در سطح دیواره‌های این مجموعه شماری طاقچه در دیوار تالارها با وجود فرسایش قابل مشاهده بوده (Ball, 1979: 332; Azad, 2010: 221)؛ که کار تراش تعدادی از طاقچه‌ها نیمه‌تمام باقی‌مانده است. آن‌چه در این طاقچه‌های ایجاد شده جای تأمل دارد عمق کم طاقچه‌هاست؛ به طوری که این طاقچه به عمق ۳-۵ سانتی‌متر ایجاد شده که بر این اساس امکان قرار دادن اشیاء داخل آن‌ها مقدور نمی‌باشد؛ هم‌چنین کف تعدادی از طاقچه هم سطح کف مجموعه می‌باشد.

برروی جرز چهارگوش سمت غرب ورودی مستطیل شکل، موتیف مار (اسلیمی) مانند در هم تافته شده و نقش دو لوزی به صورت نقش برجسته باقی مانده است (Ball, 1979: 330). عنصر سازمان دهنده فضاها در این مجموعه، تالار مستطیل شکل مرکزی است (شکاری نیری، ۱۳۸۵: ۱۱۳)، طول آن حدود ۱۲ متر و پهنای آن نزدیک ۶/۳ متر است. پوشش این قسمت به صورت تخت بوده و تنها در گوشه‌های دیوار اندکی از آن باقی مانده که دوره متأخر پوشش آجری برای سقف این قسمت ایجاد شده است. قسمتی از دیواره ضلع غربی فضای مرکزی کتیبه به خط نسخ ایجاد شده است (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ۱۵۲) که این خط یکی از مشخصه‌های خطاطی دوره ایلخانی که در تالار مرکزی امامزاده معصوم به کار رفته است (Ball, 1979: 337). در مطالعات پیشین، مضمون کتیبه تالار مرکزی، به اشتباه آیه ۱۲۹ از سوره آل عمران خوانده شده است (کارنگ، ۱۳۵۰: ۴۴؛ ورجاوند، ۱۳۵۱: ۹۵؛ شجاع‌دل و علیپور، ۱۳۸۴: ۵۱؛ شکاری نیری، ۱۳۸۵: ۱۱۵) که در اصل آیه ۱۴ از سوره مبارکه فتح می باشد: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعْزِزُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»، «مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد و هر کس را بخواهد مجازات می کند و خداوند غفور و رحیم است». در دیواره غربی درگاه ورودی تنها از کتیبه کلمه مقدس «بِاللَّهِ وَ» باقی مانده است (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۲)؛ که نشان می دهد این کتیبه به صورت کمربندی تمام دیوار، حاشیه و مدخل‌ها را دور می زند (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ۱۵۰). در دیواره غربی تالار مرکزی، همانند قسمت شاه نشین محراب وجود دارد (Vardjavand, 1975: 436; Azad, 2010: 221; Ball, 1979: 336). این محراب مقرنس کاری شده در ارتفاع نیم متری از کف فضای مرکزی و رو به سمت غرب ایجاد شده است (تصویر ۵).



در سمت شرقی و غربی فضای مرکزی، دو فضای مدور با پوشش گنبدی ایجاد شده که سطح دیواره این دو فضا آثار تراش باقی مانده است. دهانه ورودی فضای غربی به ارتفاع ۵۰ سانتی متر و قطر مدخل نیز ۵۰ سانتی متر است. این مدخل مربوط

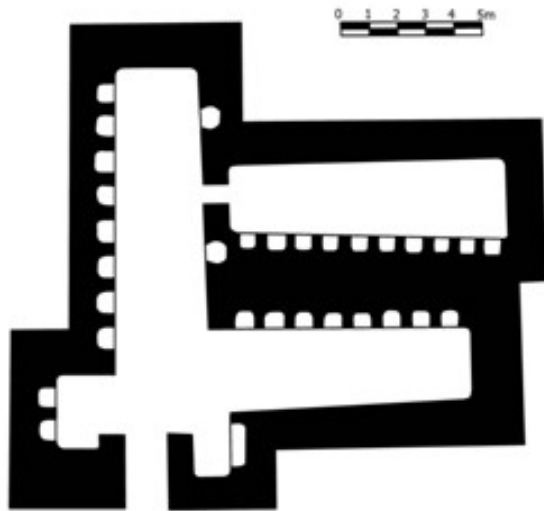
▲ تصویر ۵. قسمتی از کتیبه نیایشگاه امامزاده معصوم (نگارندگان، ۱۳۹۸).

به راه‌رویی نقیب‌مانند است که به آرامگاه دیگری جز آرامگاه اصلی را پیدا می‌کند. این آرامگاه محوطه دایره‌ای شکلی که براساس گفته مردم محل، مربوط به مادر کسی بوده که این معبد و آرامگاه اصلی متعلق به اوست (کامبخش فرد، ۱۳۷۳). سومین بخش مجموعه نیایشگاه ملامعصوم بخش عبادتگاه آن است. نمای خارجی آن را یک گنبد کوچک و محقر آجری و دو بام تشکیل می‌دهند. به فاصله ۵ متر از چهار غرفه یا حفره که پیش‌تر اشاره شد، دهانه غار زیرزمین ملامعصوم به عرض ۵/۴۰ متر و ارتفاع ۲/۵ متر جلب نظر می‌کند. محوطه اصلی امامزاده عبارتست از: یک فضای دایره‌شکل به قطر ۵/۹۰ متر که در جانب جنوبی آن با ارتفاع یک پله از کف، محرابی مستطیل‌شکل به درازا و پهنای ۲/۶۰×۲ متر با سقف هلالی شکل وجود دارد. ازاره سنگی این ستایشگاه به ارتفاع دو متر با دقت خاص حجاری و صاف شده است. از آنجا به بعد پاتاق گنبد به صورت سه دور که دور دو و سه آن قطاربندی به‌گونه‌ای مقرنس دارد (ورجاوند، ۱۳۵۱: ۹۷). پوشش قسمت شاه‌نشین (امامزاده معصوم) به صورت گنبدی شکل است (Vardjavad, 1975: 436; Ball, 1979: 334; Smith, 1975).

در قسمت شرقی محراب فرورفتگی دیگری به ابعاد ۶۰×۱۰۰ سانتی‌متر وجود دارد که فقط یک نفر، آن هم نشسته در آن جای می‌گیرد. هیچ نوع تزئیناتی به چشم نمی‌خورد و به احتمال قوی فردی که بزرگ معبد بوده لباس یا نذورات مردم را در آن قسمت می‌گذاشته است (شجاع‌دل و علیپور، ۱۳۸۴: ۵۲). این فضای مدور از دو جناح با تالار بزرگ ارتباط پیدا می‌کند؛ یکی به صورت درگاه مستقیم، و دیگری با یک راهروی پیچیده که اتاق‌ها و تونل‌ها مسیر آن را شکل می‌دهند. راهروی ایجاد شده به یک فضای کوچک بانام «چله‌خانه» منتهی می‌شود. این فضای کوچک و تاریک دارای پوشش خرپشته بوده و سطح آن کاملاً دودزده است. در دیواره ضلع غربی این فضا، طاقچه‌ای کوچک با عمق بسیار کم ایجاد شده است.

فضای C

فضای C در قسمت شمال شرقی فضای B و به فاصله ۵۰ متری از آن قرار گرفته است. این فضا بیشتر در بین پژوهشگران با عنوان فضای منسوب به «اصطبل» نام‌گذاری شده است. مدخل اصطبل‌ها دهانه غاری است که به زیرزمین منتهی می‌گردد (شجاع‌دل و علیپور، ۱۳۸۴: ۵۳) در جبهه راست مدخل اصطبل‌ها، دهلیزی به طول ۹ و عرض ۲/۷۰ متر به شکل مربع-مستطیل که در یک طرف آن هشت آخور تعبیه شده است. روبه‌روی این مدخل نیز دهلیز دیگری به طول ۹ و عرض ۳ متر ایجاد شده است. در سمت راست محل اخیر الذکر معبر باریکی کنده شده که دهلیز را به محوطه مستطیلی به طول ۱۱/۵ و عرض ۳ متر می‌پیوندد و در آن جمعاً ۱۰ آخور دیگر کنده شده است. تمام این آخور، در حال حاضر فقط یک مدخل بیشتر ندارند؛ ولی می‌توان تصور کرد که در زمان رونق نیایشگاه زیرزمینی به آن راه داشت (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ۱۴۳)، (تصویر ۶).



کارکرد مجموعه

▲ تصویر ۶. فضاهای دستکند C (نگارندگان، ۱۳۹۸).

یکی از فرضیات مورد پذیرش شماری از محققان، این است که نیایشگاه دستکند امامزاده معصوم، معبد مهری است (Vardjavand, 1975). با فرض پذیرش این کارکرد، تاریخ ایجاد این نیایشگاه دستکند همانند نیایشگاه قدمگاه شهرستان آذرشهر به دوره اشکانی برمی‌گردد (Biscione & Khatib Shahadi, 2006: 303). بررسی و مقایسه معابد مهری (شورتهایم، ۱۳۷۰: ۱۱۳؛ ورمازن، ۱۳۸۳) با مجموعه دستکند امامزاده معصوم، نشانگر تفاوت این نیایشگاه دستکند با معابد مهری است (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ۱۶۳)؛ با این حال در دهه‌های اخیر برخی از محققان هم‌چون: «ورجانند» (۱۹۷۵)، «اسمیت» (۱۹۷۵: ۴۳۸)، «شکاری نیری» (۱۳۷۲: ۱۳۸۵)، «شجاع‌دل» و «علیپور» (۱۳۸۴)، با الگو قراردادن غارهای مهرپرستی کشورهای اروپایی (ر. ک. به: ورمازن، ۱۳۸۳) و بدون ارائه دلایل و مدارک مستند و کافی، این مجموعه را جزو معابد مهری معرفی کرده‌اند. این درحالی‌ست که آثار و شواهدی از مهرپرستی در مهرابه‌های اروپا وجود دارد (شورتهایم، ۱۳۷۱)، در این مجموعه و محوطه‌های مشابه کشف و شناسایی نشده است (رهبر، ۱۳۹۲: ۲۹). با این‌وجود در مطالعات پیشین، پژوهشگران با استناد به پلان و برخی عناصر تزئینی و معماری این مجموعه را معبد مهرپرستی معرفی کرده‌اند.

پلان نیایشگاه امامزاده معصوم در پژوهش‌های انجام شده به صورت یک انسان مشعل به دست در نظر گرفته شده که این فرم پلان، تجسمی از خدای مهر است (شکاری نیری، ۱۳۸۵). تاکنون در مهرابه‌های باقی‌مانده چنین پلانی مشاهده نشده است؛ به طوری که در اروپا و آسیای جنوب غربی بیش از ۴۰۰ اثر تاریخی مرتبط با آئین میترائیسم کشف و شناسایی شده (Clauss, 2000: 21) که نقشه این مهرابه‌ها به شکل مستطیل کشیده‌ای است (سلطان‌زاده و آشتیانی، ۱۳۹۰: ۷۴). این میترائیوم‌ها عموماً سه بخشی می‌باشند؛ بخش نخست پیش تالار، بخش دو به صورت یک تالار طویل، و بخش سه را فضای اصلی جایگاه تشکیل می‌دهد (لباف، ۱۳۹۱: ۱۰۰)، هم‌چنین در طرفین راهروی مرکزی، نیمکت‌های سنگی

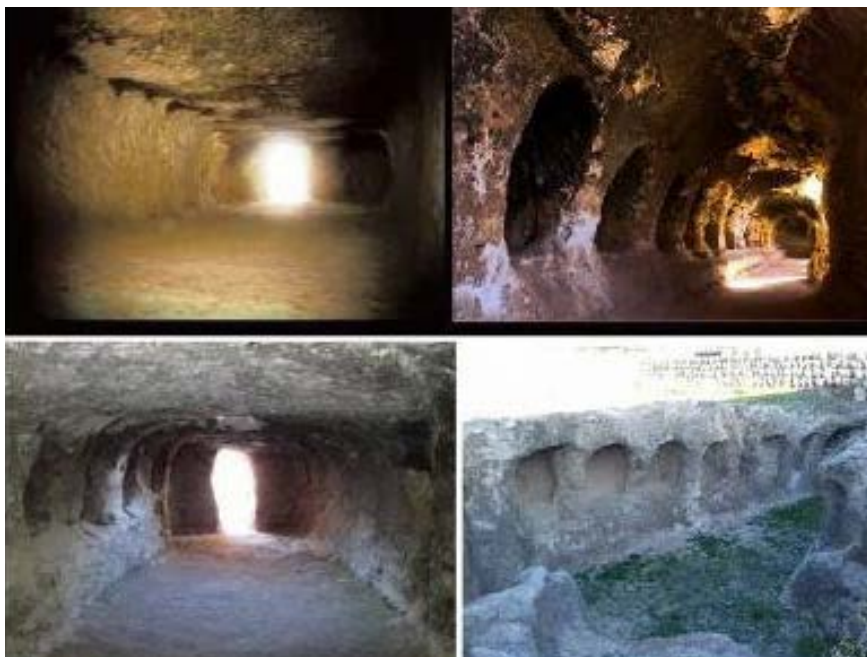
طویل وجود دارد (ورمازرن، ۱۳۸۳: ۵۰)؛ بر همین اساس، نمی‌توان شباهتی میان پلان نیایشگاه امامزاده معصوم با معابد مهری در نظر گرفت (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ۱۶۳)؛ هم‌چنین در معابد مهری آثار و شواهدی از خدای مهر هم‌چون: تندیس مهر، کتیبه، سنگ نگاره، سکوی عبادت، نقوش حیوانی و انسانی وجود دارد (شورت‌هایم، ۱۳۷۱: ۱۱۳-۱۲۵) که در این مجموعه کشف و شناسایی نشده است؛ به‌طور کلی، پلان نیایشگاه امامزاده معصوم تشابهاتی با پلان مسجد سنگی داراب (1986: 119 Bier) که در دوره ایلخانی ایجاد شده است (شیخ‌الحکمایی و حسنی، ۱۳۹۵) دارد؛ هم‌چنین قابل مقایسه با پلان برخی معابد بودایی که شکل کریدور آن‌ها به صورت مستطیل شکل و پلان مدور قسمت شاه‌نشین (Okazaki & Nakamura, 2016: 30) است.

در معابد مهری عناصر تزئینی و نمادینی هم‌چون نقش مار ایجاد شده است (ورمازرن، ۱۳۸۳: ۱۸۷) که بر همین اساس نقش گل پیچک‌دار (اسلیمی) ایجاد شده در قسمت ورودی نیایشگاه (Ball, 1979: 330)، عامل دیگر انتساب این مجموعه به آئین مهری است. این تزئین ایجاد شده، با عنوان نقش مار در آئین مهرپرستی معرفی شده است (شجاع‌دل و علیپور، ۱۳۸۴: ۵۰). بر اساس آثار کشف و شناسایی شده از معابد مهری در اروپا، نقش مار در کنار تندیس مهر و گاو قرار دارد (شورت‌هایم، ۱۳۸۷: ۱۳۷)؛ بنابراین تزئین مذکور، در قسمت ورودی نیایشگاه نقش مار نبوده، بلکه در حقیقت نماد زندگانی و نیرو بخشی پس از مرگ است (Toynbee, 1971: 189)؛ که در فرهنگ اسلامی با عنوان -غنا‌ی پایان‌ناپذیر خلقت الهی و نماد مذهبی اشاره به بهشت و خداوند- است (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۱۲۳). این نماد در فرهنگ بودایی نیز به‌عنوان -سبک بالغ گوپتای در هند و شکوه بودا- معرفی می‌شود (Patry Leidy, 2008: 50). در کاوش‌های باستان‌شناختی معبد «سنت پریسک» ایتالیا، تصاویر و نمادهای از مهرپرستی کشف و شناسایی گردیده است (ورمازرن، ۱۳۸۳: ۱۷۱)؛ این نمادها عبارتند از تصاویر: شیر، پدر، کلاغ، سرباز و غیره بوده که نمونه‌های قابل مقایسه آن در کاوش‌های باستان‌شناختی قلعه زهاک هشترود پیدا شده است (عمرانی و مرادی، ۱۳۹۳). بر همین اساس، مقایسه پلان و عناصر تزئینی و معماری همراهی‌های شناسایی شده تفاوت‌های میان این معابد با نیایشگاه دستکند امامزاده معصوم مراغه‌ای را نشان می‌دهد. در هر صورت، بنا بر آن‌چه گفته شد، مجموعه دستکند آئینی-دینی امامزاده معصوم، نیایشگاهی متفاوت از معبد مهری است.

رهیافت تاریخ معماری نیایشگاه دستکند

در بررسی آثار دستکند، پی‌بردن به زمان ایجاد و دوره‌های زمانی استفاده از آن‌ها اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. تعیین زمان اولیه ایجاد مجموعه‌ها جز در مواردی که کتیبه یا نوشته همراه داشته باشد، عملاً مقدور نیست؛ اما می‌توان دوره‌های زمانی استفاده از این آثار را با استفاده از شیوه‌های مختلف تشخیص داد؛ از جمله: کاوش‌های باستان‌شناختی، شواهد معماری (نوع پوشش‌ها سقف‌ها، تزئینات معماری) به‌طور تقریبی به دوره‌های زمانی آن پی‌برد (محمدی فرو و همتی‌ازندریانی،

۱۳۹۵: ۱۰۹). حال آن‌که در گاهنگاری و دوره‌های زمانی استفاده از مجموعه دستکند امامزاده معصوم کاستی‌های زیادی دیده می‌شود. محققان در تاریخ‌گذاری این نیایشگاه، به عناصر معماری و تزئینی ایجاد شده و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی منطقه توجه کمتری داشته‌اند؛ همان‌طور که اشاره شد زمان ایجاد نیایشگاه، در دوره پارتی در نظر گرفته شده است (کارنگ، ۱۳۵۰: ۴۶)؛ حال آن‌که میان ایجاد نیایشگاه دستکند در دوره پارت شک و تردید بسیاری وجود دارد. این امر از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است؛ نخست، میان معماری این نیایشگاه با بناهای دوره پارتی تفاوت‌های دیده می‌شود. پوشش سقف فضاهای دستکند دوره تاریخی چون ارزانفود همدان (همتی‌ازندریانی و خاکسار، ۱۳۹۱: ۴۹۸)، سامن ملایر (خاکسار، ۱۳۸۶) غار کرفتو (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۵) به صورت قوسی شکل است؛ که در نیایشگاه امامزاده معصوم پوشش فضاها به صورت خرپشته و گنبدی شکل است. پوشش گنبدی شکل این مجموعه قابل مقایسه با پوشش فضاها دستکند آبازر نیر (میرفتاح و شکاری‌نیری، ۱۳۶۷)، قدمگاه آذرشهر (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۳)، مسجد سنگی داراب (Bier, 1986)، معبد بودایی دستکند بامیان افغانستان (2013: 178) و برخی مقابر بودایی شمال چین است (Steinhardt, 1998: 237). پوشش خرپشته‌ای در فضاهای دستکند منطقه شمال غرب ایران در دوران اسلامی رواج پیدا کرده که نمونه چنین پوششی در فضاهای دستکند تپه رصدخانه، متعلق به دوره ایلخانی ایجاد شده است (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷). پوشش فضاها A به صورت تیزه‌دار (طاق‌آهنگ) است که از این نظر قابل مقایسه با بناهایی چون: مسجد جامع یزد (ایلخانی)، مسجد جامع اصفهان (سلجوقی) است. پلان فضای دستکند C و طاقچه‌های ایجاد شده در این قسمت، بسیار شبیه به نمونه‌های ایجاد شده در معابد بودایی منطقه تخت‌رستم افغانستان (Naweed, 2013: 259)، (تصویر ۷) است.



تصویر ۷. بالا: معبد بودایی تخت‌رستم افغانستان (Naweed, 2013: 260)؛ پایین: فضای دستکند C (نگارندگان، ۱۳۹۸).

دو، مطالعه عناصر تزئینی نیایشگاه دستکند امامزاده معصوم، عامل دیگر انتساب این نیایشگاه به دوره اسلامی است؛ از جمله نقوش اسلیمی ایجاد شده در مجموعه امامزاده معصوم با نمونه‌های مشابه در کتیبه گچ‌بری برج مقبره کبود مراغه (سلجوقی)، نقش گل زندگانی در معبد بودایی داش کسن زنجان (Scarcia, 1975)، محراب امامزاده ربیع‌خاتون اشترجان (ویلبر، ۱۳۴۶: تصویر ۶۸)، آجرهای رصدخانه مراغه (خیری، ۱۳۸۹: ۱۲۰) قابل مقایسه است. نقش دو مربع پشت به هم ایجاد شده در قسمت فوقانی این تزئین، قابل مقایسه با تزئینات محراب مقبره بایزید بسطامی (ویلبر، ۱۳۴۶: تصویر ۳۷)، آجرهای رصدخانه مراغه (خیری، ۱۳۸۹: ۲۶۱) و تزئینات معبد بودایی کاربیل^۱ ترکمنستان، معبد بودایی گرابگاری‌های^۲ هندوستان (Nisarkhan, 2015: 38)، وجود دارد. این عنصر تزئینی عمدتاً همراه با سایر عناصر تزئینی، از جمله - نقوش اسلیمی - به کار می‌رود. محراب و مقرنس‌های نیایشگاه دستکند امامزاده معصوم، با مقرنس‌های گنبد غفاریه (ایلخانی)، نیایشگاه بودایی داش کسن زنجان (Scarcia, 1975: 104)، محراب سنگی مسجد داراب و مسجد ایچ (Bier, 1986)، محراب‌های ایجاد شده روی سنگ قبرهای ایلخانی روستای ایوند شهرستان مرند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴) قابل مقایسه است (تصویر ۸).




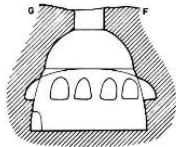



جدول ۱. نقش اسلیمی و مربع‌های ایجاد شده دهانه ورودی نیایشگاه و نمونه‌های قابل مقایسه (نگارندگان، ۱۳۹۸). ▼

در مجموعه دستکند امامزاده معصوم، تعداد زیادی طاقچه در قسمت‌های مختلف سطح دیوارها ایجاد شده است (Azad, 2010: 221; Ball, 1979: 332).

			
محراب مسجد شترجان	تزئین اسلیمی آجرکاری رصدخانه مراغه	معبد بودایی داش کسن	تزئین اسلیمی (گل زندگانی) امامزاده معصوم
			
مقبره بایزید بسطامی	آجرکاری رصدخانه مراغه	مربع‌های تزئینی معبد گرابگاری‌های	مربع‌های تزئینی امامزاده معصوم
			
محراب گنبد غفاریه	محراب سنگ قبر روستای ایوند شهرستان مرند	معبد داش کسن	محراب و کتیبه امامزاده معصوم

بعضی از این طاقچه‌ها از عمق کمتری برخوردارند و کف تعدادی از آن‌ها هم سطح کف فضاهاست؛ بنابراین شکل طاقچه‌ها شباهت زیادی به طاقچه‌های قسمت چله‌خانه مجموعه دستکند تپه رصدخانه (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷)، طاقچه‌های معابد بودایی (Lagerwey & Lü, 2009) دارد؛ هم‌چنین ستون سنگی فضای B قابل‌مقایسه با ستون مرکزی معابد بودایی است که راهبان دور آن طواف می‌کنند. نمونه مشابه این‌گونه ستون‌ها که سطح آن با طاقچه تزئین شده است در معبد بودایی «کیزیل بل» منطقه اویغور (Lagerwey & Lü, 2009: 670) معبد بودایی «قول توت» افغانستان می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۲).

جدول ۲. ستون مرکزی و طاقچه‌های نیایشگاه امامزاده معصوم و نمونه‌های مشابه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

		 
<p>www.alamy.com</p>	<p>(Nriep, 2013)</p>	<p>طاقچه‌های ایجاد شده در فضاهای با پلان مدور امامزاده معصوم</p>
		
<p>معبد بودایی قول توت افغانستان (google.com)</p>	<p>کیزیل بل منطقه اویغور (Lagerwey & Lü, 2009: 670)</p>	<p>ستون مرکزی و طاقچه‌های ایجاد شده در دیواره آن</p>

مطالعه منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی از جمله پوشش فضاها، عناصر تزئینی معماری و سنگ‌قبرهای گورستان (کامبخش فرد، ۱۳۷۳: ۱۵۳) نشانگر ایجاد مجموعه در دوران اسلامی است. براساس بررسی‌های انجام شده، شواهدی از دوره پیش از اسلام در این مجموعه وجود ندارد؛ به طوری که غالب سفالینه‌ها متعلق به قرون میانی و متأخر اسلامی است. هم‌چنین شکل‌گیری نیایشگاهی با وسعت نسبتاً زیاد در بستر صخره، نیازمند نیروی انسانی و مالی فراوانی بوده است؛ بر

همین اساس ایجاد این مجموعه دستکند بایستی با حمایت حاکمان وقت منطقه انجام شده باشد. بر همین اساس، در تاریخ اقتصادی و سیاسی مراغه، دوره ایلخانی که مصادف با پایتختی مراغه است، بهترین دوره برای ایجاد این مجموعه دستکند می‌تواند باشد. در نتیجه اگر آغاز تراش این اثر تاریخی را در دوران اسلامی جستجو کنیم، این جستجو نهایتاً باید به سال ۶۵۶ ه.ق. ختم شود؛ زیرا دقیقاً در همین سال بود که مراغه با عنوان پایتخت ایلخانی انتخاب شد. در این شهر به دستور «هلاکو» و صدارت «خواجه نصرالدین طوسی» بناهای عظیم چون: مجموعه علمی رصدخانه (جامع التواریخ، ۱۳۳۱)، کلیسا (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷)، معابد بودایی (بیانی، ۱۳۷۱) ایجاد شد. از طرفی بعید به نظر می‌رسد که مجموعه نیایشگاه امامزاده معصوم قبل از پایتختی مراغه ایجاد شده باشد؛ در غیر این صورت بعید بود که مورخان و نویسندگان سده‌های پیشین هم‌چون «زکریای قزوینی» که اشاره به معابد قدیمی دارند، خبری هرچند مختصر از این نیایشگاه دستکند در آثار خود یاد نکرده باشند (ر. ک. به: قزوینی، ۱۳۷۳).

وقایع و حوادث تاریخی ایران، دلیل دیگری بر اثبات ایجاد مجموعه دستکند در شهر مراغه در دوران اسلامی است؛ زیرا بر اساس متن کتیبه کعبه زردشت، «کرتیر» دستور ویرانی معابد سایر آدیان را داده است (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۸۹)، با توجه به وجود آتشکده مهم آدرگشنسب بعید به نظر می‌رسد نیایشگاهی به این بزرگی در مراغه سالم باقی‌بماند؛ هم‌چنین در سده سوم هجری قمری مراغه مرکز سپاه اعراب بوده (طبری، ۱۳۷۵/۱۳: ۵۸۲۴)، بنابراین بایستی این نیایشگاه در این دوره تبدیل به یک مسجد اسلامی می‌شد و در متون تاریخی نیز ذکری از آن باقی‌می‌ماند. در نتیجه، پذیرش این امر بسیار دشوار و دور از ذهن می‌نماید که این نیایشگاه در دوره پارتی ایجاد شده و بدون تغییر و آسیب وارده تا دوره معاصر باقی‌مانده و مداوم مورد استفاده قرار گرفته است.

بحث و تحلیل

بر اساس آنچه در متن مقاله اشاره شد، زمان شکل‌گیری این نیایشگاه دستکند مربوط به دوران اسلامی و پایتختی شهر مراغه در دوره حکمرانی هولاکو است. با بررسی متون تاریخی، در این دوره بناهای مذهبی با کاربری نیایشگاهی برای پیروان ادیان مسیحی (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷) و بودایی ساکن (بیانی، ۱۳۷۱)، مجموعه علمی رصدخانه در مراغه شکل‌گرفت. نیایشگاه مسیحیان در دامنه سمت غربی تپه رصدخانه در بستر صخره در وسعت نسبتاً زیادی ایجاد شده است (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷)؛ بنابراین لزوم ایجاد نیایشگاهی برای پیروان بودایی ساکن مجموعه علمی رصدخانه نیز وجود داشت. در این دوره، بوداییان در ساختار سیاسی، اجتماعی و دینی خانان ایلخانی جایگاه مناسبی داشتند؛ به طوری که گروهی از مغولان به دین بودایی گرایش داشتند و معابد بودایی در سراسر ایران پراکنده بوده است (اشپولر، ۱۳۶۸: ۱۸۷). هلاکو دستور ساخت بت‌خانه‌هایی در خوی را داده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۱/۳: ۷۳۴)، این تمایل به دین بودا

زمینه مناسبی برای گسترش این آئین در ایران فراهم کرد؛ به طوری که اندک زمانی سیل کارگزاران مشاوران و راهبان بودایی از چین، تبت، سرزمین اُیغور، و حتی هند به ایران سرازیر شد. نفوذ این دین در غرب ایران جلوه بیشتری پیدا کرد و مراغه، خوی، اران مکان‌های مناسب برای معابد آن‌ها گردید (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۷۵). بوداییان در سراسر قلمرو ایلخانی معابد بودایی برپا کردند و به اجرای آئین مذهبی خویش پرداختند. برای ساخت این نیایشگاه‌ها، هلاکو از خزانه اموال زیادی در اختیار آنان قرار داد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹). تعدادی از ایلخانان نیز پیرو آئین بودا شدند و از مشاورت بوداییان بهره می‌بردند، چنان‌که هلاکو و «آباخان» مشاوران بودایی در دربار خود داشتند؛ از جمله می‌توان به «جنگلان» اشاره نمود که از «بخشیان» بودایی بود که از مشاوران اعظم وی به شمار می‌رفت (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۱/۲: ۷۶۷)؛ و یا «آرغون‌آقا» از قبیله «ایورات» که بخشی‌گری آموخته در «سلک بتکچیان» انتظام داشت به حکومت خراسان سرفراز گشت (خواندمیر، ۱۳۸۰/۳: ۵۱-۵۰). در این دوره، مسیحیان و پیروان بودا اکثریت داشتند و مسلمانان در اقلیت بودند (اشپولر، ۱۳۶۸: ۱۸۸).

در دوره حکمرانی هلاکو در فاصله ۸ کیلومتری سمت جنوب شرقی تپه رصدخانه و در راستای یک خط مستقیم نیایشگاه امامزاده معصوم با عنوان معبد بودایی‌های ساکن رصدخانه (رشیدالدین، ۲/۱۳۷۳: ۱۱۷۶) و شهر مراغه (Morgan, 2015: 66)، در دستور کار قرار گرفت. به طوری که بررسی و تحلیل باستان‌شناسی فضاهای ایجاد شده نیز دلالت بر نیایشگاه بودایی در مجموعه است؛ از جمله دلایل می‌توان نخست، پلان مستطیل‌شکل تالار مرکزی با فرم مدور قسمت شاه‌نشین با پوشش گنبدی آن اشاره نمود که با معابد بودایی آسیای مرکزی (Nakamura & Okazaki, 2016: 34) و معابد دستکند بامیان افغانستان (Nricpt, 2013: 178) دارد. معماری فضای C نیز با معبد بودایی تخت‌رستم افغانستان (Naweed, 2013: 359)، قابل مقایسه است؛ هم‌چنین وجود طاقچه‌های نسبتاً زیاد در فضاهای این مجموعه (Ball, 1979: 332; Azad, 2010: 221)، قابل مقایسه با طاقچه‌های ایجاد شده در معابد بودایی است. اصولاً ایجاد طاقچه‌های با عمق کم و تعداد زیاد در یک بنای مذهبی حکایت از کاربری خاص آن دارد. نمونه‌های از این طاقچه‌ها را در معابد بودایی کیزیل منطقه اویغور و بامیان افغانستان می‌توان مشاهده کرد؛ که عمدتاً اطراف طاقچه‌ها مزین به نقاشی‌هایی که این نوع تزئین در معابد غاری شکل بودایی متداول بوده است (Stavisky, 1980: 90). در فضای B ستون سنگی که سطح آن با طاقچه‌های تزئین شده نوعی کاربری آئینی دارد. چنین ستون‌های در معابد بودایی به منزله ستون مرکزی که دور آن طواف انجام می‌شود (2009: 622 Lagerwey & Lü). در نیایشگاه امامزاده معصوم فضاهای با عنوان چله‌خانه وجود دارد که این فضاها تاریک بوده و محلی برای ریاضت و چله‌نشینی است که در دوره ایلخانی چله‌نشینی در فضاهای خلوت رواج داشت (جامع‌التواریخ، ۱۳۷۳/۲: ۱۱۸۰-۱۱۷۹). در سفرنامه‌های تاریخی نیز اشاره به شباهت نیایشگاه‌های دستکند منطقه مراغه به معابد بودایی شده است (Drouville, 1825: 225).

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که نیایشگاه امامزاده معصوم ناتمام مانده است؛ از جمله دلایل ناتمام ماندن این نیایشگاه می‌توان به طاقچه‌ها و ورودی فضاهای مدور سمت شرق و غربی تالار مرکزی اشاره نمود که به صورت کامل تراشیده نشده است؛ هم‌چنین سطح دیواره‌های داخل فضاها برای ایجاد نقش و نگار به صورت صاف و یک‌دست صیقل و گاه‌های ملاطکاری شده (رازانی و حمزوی، ۱۳۹۷)، با این وجود عنصر تزئینی در سطح آن اجرا نشده و در جریانات سیاسی دوره بعد، تراش مجدد در سطح دیواره‌ها ایجاد شده است. عامل ناتمام ماندن مجموعه را می‌توان در تغییرات دینی و سیاسی دوره ایلخانی جست‌وجو کرد. بوداییان تا زمان «تکودار» که نام «احمد» را بر خود گزیده بود در حکومت ایلخانی به فعالیت خود ادامه دادند؛ ولی با مسلمان شدن تکودار اوضاع تغییر کرد و نسبت به بوداییان سخت‌گیری شدید معمول داشت و معابد آنان را ویران کرد. رویه را غازان خان و الجایتو نیز ادامه داد. غازان خان، دین بودا را یک‌باره ریشه‌کن کرد. معابد بودایی چپاول و ویران شد و یا آن‌را به شکل مسجد درآوردند (اشپولر، ۱۳۶۸: ۱۹۲)؛ بنابراین پس از اصلاحات غازان خان این معبد بودایی همانند کلیسای صخره‌ای تپه زردخانه دچار آسیب گردید (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱). وجود آثار دودزدگی و تراش ثانویه سطح دیواره‌های نیایشگاه نشانگر غلبه اسلام و تخریب نیایشگاه دست‌کند است. در دوره غازان خان با تغییر و افزودن عناصری هم‌چون کتیبه نیایشگاه ماهیت اسلامی پیدا نموده است. طراحان کتیبه دلیل خاصی در انتخاب سوره فتح در این نیایشگاه دست‌کند داشتند. مضمون کتیبه، اشاره به فتح اسلام بر سایر ادیان نیرومند دارد (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۳)؛ به طوری که در دوره ایلخانی پیروان دین بودایی نسبت به مسلمان بسیار نیرومند بوده است (اشپولر، ۱۳۶۸: ۱۸۸)؛ بنابراین سوره فتح در کتیبه بناهای مانند: گنبد سلطانیه، شیخ حیدر مشکین‌شهر، مجموعه بسطام و... نقر شده که این بناها در دوره پس از اصلاحات مذهبی غازان خان ایجاد شده‌اند (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۴-۱۰۳).

بعد از تغییر ماهیت نیایشگاه به باور اسلامی، مجموعه دست‌کند امامزاده معصوم کاربری خانقاهی پیدا کرده است. در دوره ایلخانی با رواج اسلام و تدین ایلخانان به دین اسلام و تمایلشان به تشیع، تصوف را در این دوره تقویت کرده (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۲۹) و در ایجاد و توسعه خانقاه‌ها و توجه به اهل تصوف مؤثر بوده است (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۱۸۸)؛ به طوری که گرایش غازان خان به اسلام و حمایت گسترده وزیرش «رشیدالدین فضل‌الله» از مشایخ صوفی، فصل نوینی را در گسترش تصوف گشود (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۳۰-۲۳۱)، غازان خان که مرید «شیخ زاهد گیلانی» بود (ابن‌بزاز، ۱۳۷۷: ۳۹-۳۸)، در ایام دولت آن پادشاه عالی همت به موجب فرمان او در روستاهای آذربایجان خانقاه‌های ایجاد شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۱۸۹)؛ هم‌چنین در تداوم رویکرد ایلخانان به تصوف، «ابن‌بزاز» در توصیف ارادت ابوسعید به «صفی‌الدین اردبیلی» می‌نویسد: شیخ با پادشاه سخن همچنان می‌گفت که با کودکی گویند (ابن‌بزاز، ۱۳۷۷: ۲۸۹-۲۸۰). در مراغه، اردبیل و خلخال، شیخ صفی‌الدین اردبیلی و یارانش بساط ارشاد گسترده و مریدان یا سرسپردگی کامل

به مرشدان و پیران خود اقتداء می‌کردند (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۳۳-۲۳۴). بازگنان و طبقات متوسط شهرها عموماً مرید شیخ صفی و سایر شیوخ شده و صوفی شدن و نام صوفی داشتن افتخار و امتیاز بوده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۳: ۱۵۴). مطالعه توپونوم‌های^۳ منطقه، مانند: پیرهاشم، روستای خانقاه، چله‌خانا، رودخانه صوفی و شکل‌گیری قبرستان تاریخی مجاور نیایشگاه نشانگر باور خانقاهی در این مجموعه است. خانقاه‌های عصر ایلخانی در منطقه آذربایجان در دوره صفویه دچار تغییر و تحولات بنیادین شده‌اند؛ به طوری که با قدرت‌یابی «شاه طهماسب صفوی» بسیاری از صوفی‌ها و آداب خانقاهی رو به افول نهاد و به تدریج در عرفان استحاله گردید (قربان‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۲). بر همین اساس خانقاه‌های مراغه، مانند: «خانقاه شیخ بابا»، «شیخ مُعزالدین» تبدیل به مسجد شده‌اند و یا مانند «خانقاه پیرواحدالدین مراغه‌ای» متروک گردیده و با عنوان قبرستان تاریخی تا دوره قاجاریه مورد استفاده قرار گرفت؛ بنابراین نیایشگاه دستکند مذکور، در دوره شاه طهماسب تبدیل به مقبره شده و کاربری خانقاهی آن فراموش گردید. امروزه این محل با عنوان اولیاء و امامزاده معصوم مراغه‌ای^۴ در باور مردم منطقه جایگاه خاصی دارد و در ایام محرم مراسمی در آن اجرا می‌شود.

نتیجه‌گیری

به حکومت رسیدن ایلخانیان در قرن هفت هجری قمری و تسلط آنان بر شهر مراغه، تحت حمایت‌های سیاسی-مذهبی آنان انگیزه‌های نو به منظور توسعه و رونق شهر آغاز شد. آنان از بازتاب مثبت این فعالیت‌ها برای رسیدن به اهداف بلندمدت سیاسی-مذهبی خود استفاده می‌کردند. هولاکو و جانشینان بودایی مذهب با ساخت نیایشگاه‌های برای ادیان بودایی و مسیحی توانستند حمایت‌های معنوی و علمی آن‌ها را به دست آورند. تغییر سیاست دینی غازان خان منجر به ناتمام ماندن و تخریب بسیاری از نیایشگاه‌های بودایی این منطقه شد. تفکرات مذهبی بعد از غازان خان موجب شد نیایشگاه دستکند امامزاده معصوم تغییر کاربری داد و در دوران بعدی به لحاظ کارکرد و قدمت در هاله‌ای ابهام قرار گیرد. به گونه‌ای که براساس آخرین مدارک مکتوب تاریخی، در دوره قاجاریه کارکرد و اسامی متفاوتی به این مجموعه نسبت داده شده که مسلماً نام‌هایی مجعول و ساختگی است. از لحاظ معماری نیز مقایسه دستکند امامزاده معصوم با مجموعه‌های از این نوع، نشان می‌دهد که این بنا از نظر نقشه قابل‌سنجش با بسیاری از نیایشگاه‌های صخره‌ای بودایی و مقابر مغولی است؛ هم‌چنین برخی از عناصر معماری و تزئینی مجموعه دستکند امامزاده معصوم نیز از تعدادی بناهای دوره ایلخانی تأثیر پذیرفته است. نیایشگاه امامزاده معصوم بعد از اصلاحات مذهبی غازان خان تبدیل به خانقاه اسلامی می‌شود که تحولات سده هشت هجری قمری؛ و به خصوص دوره صفوی باعث ترک باورهای صوفی‌گری و آداب خانقاهی مجموعه شده است؛ به طوری که نیایشگاه در دوره صفوی با عنوان مقبره امامزاده معصوم مراغه‌ای و پیروانش مطرح شده است و امروزه با اسامی اولیاء و امامزاده مُلامعصوم در میان اهالی منطقه قداست خاصی دارد.

نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد، تنها حاصل از بررسی شواهد بصری موجود در مجموعه دستکند، تحلیل فضایی با استناد به ساختارهای موجود در فضاها و بررسی ساختاری در محدوده مکانی-تاریخی (بستر تاریخی-سیاسی) مجموعه دستکند امامزاده معصوم، هم‌چنین داده‌های مکتوب است؛ بنابراین برای کشف و خواناسازی فضاهای زیرزمینی انباشت شده، مطالعه و وسعت مجموعه و تاریخ‌گذاری دقیق‌تر نیاز به عملیات میدانی است؛ لذا برای رسیدن به این مقصود کاوش‌های علمی باستان‌شناختی پیشنهاد می‌گردد.

پی‌نوشت

1. Karabil
2. Garbhagriha

۳. واژه‌های «پیر»، «خانقاه»، «چله‌خانه» و «صوفی» از اصطلاحات رایج با باورهای صوفی‌گری است؛ مانند: «صوفیان خانقاهی»، «چله‌خانه‌ها»، «پیرمعان» و «پیرخرابات» (کیانی، ۱۳۶۹) این واژه‌ها با گذشت زمان در اسامی برخی مکان‌های تاریخی و رودخانه‌ها مراغه باقی مانده است.
 ۴. ملامعصوم مراغه‌ای، یکی از علمای بزرگ قرن ۱۳ هـ.ق. این شهر بوده است. نویسنده کتاب خطی تفسیر صافی او را به‌عنوان یکی از فقیه‌ترین فقها به حساب آورده است (مخلصی، ۱۳۷۱: ۱۶۸).

سپاسگزاری

از خانم دکتر زهره زهبری به پاس در اختیار نهادن برخی منابع سپاسگزاری می‌شود.

کتابنامه

- ابن‌بزاز، درویش توکل بن اسماعیل بن حاجی توکلی اردبیلی، ۱۳۷۷، اساس المواهب السنیه فی مناصب الصوفیه یا صفوت الصفا. به تصحیح: غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: زریاب.
- ابن‌منور، محمد، ۱۳۷۱، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید. تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- اشیپولر، برتولد، ۱۳۶۸، تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اشرفی، مهناز، ۱۳۹۰، «پژوهشی در گونه‌شناسی معماری دستکند». نامه معماری و شهرسازی، شماره ۷، صص: ۴۷-۲۵.
- اکبرزاده، داریوش، ۱۳۸۵، سنگ نبشته‌های کرتیر موبدان موبد. تهران: پازینه.
- باصفا، حسن؛ داوری، محمد صادق؛ و رضایی، محمد حسین، ۱۳۹۶، «بررسی و تحلیل کاربری فضاهای دستکند حاشیه آبگرم ورتون استان اصفهان». مجله باغ نظر، سال ۱۴، شماره ۵۲، صص: ۴۸-۳۷.
- بیانی، شیرین، ۱۳۷۱، دین و دولت در ایران عهد مغول. تهران: نشر دانشگاهی.
- جکسن، ویلیامز، ۱۳۵۷، سفرنامه جکسن. ترجمه رشید برناک، تهران: انتشارات اندیشه نو.
- خاکسار، علی، ۱۳۸۶، «فصل اول کاوش‌های باستان‌شناختی سامن - ملایر (شهرپنهان)». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).

- خواندمیر، ۱۳۸۰، «تاریخ حبیب السیر». جلد ۳، تصحیح: محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- رازانی، مهدی؛ و حمزوی، یاسر، ۱۳۹۷، «ساختارشناسی ملاط‌های تاریخی در آرایه‌های معماری و اندود داخلی معبد صخره‌ای مراغه». پژوهش باستان‌سنجی، شماره ۴ (۲)، صص: ۱-۱۵.
- رشیدالدین خواجه فضل‌الله همدانی، ۱۳۳۱، جامع التواریخ. به تصحیح: بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- رهبر، مهدی، ۱۳۹۲، «معماری معابد مهری در ایران». مجله کندوکاو، شماره ۸، سال ۵، صص: ۴۱-۲۸.
- ستارنژاد، سعید؛ و پروین، صمد، ۱۳۹۷، «معرفی گاهنگاری و تعیین عملکرد معماری صخره‌ای پیرهاشم روستای ورجوی مراغه». دو فصلنامه علمی-تخصصی باستان‌شناسی، شماره ۶، دوره ۴، دانشگاه محقق اردبیلی، صص: ۷-۲۴.
- ستارنژاد، سعید، ۱۳۹۵، «مطالعه و بررسی باستان‌شناختی معماری دستکند شهرستان مراغه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل (منتشر نشده).
- ستارنژاد، سعید؛ شهبازی‌شیران؛ حبیب؛ و معروفی‌ا قدم، اسماعیل، ۱۳۹۷، «بررسی و تحلیل ماهیت کاربردی معماری صخره‌ای تپه رصدخانه مراغه». پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۷، شماره ۲، صص: ۷۵-۹۲.
- سلطان‌زاده، حسین؛ و رضائی‌آشتیانی، سیما، ۱۳۹۰، «ساختار فضایی معماری مهرابه‌های اروپا». مجله نقش جهان، شماره ۱، صص: ۸۱-۵۳.
- شجاع‌دل نادره؛ و علیپور، نسیم، ۱۳۸۴، «پیشینه مهرپرستی و نیایشگاه مهر ورجوی مراغه». مجله تاریخ پژوهی، سال ۷، شماره ۲۴ و ۲۵، صص: ۴۴-۵۴.
- شکاری‌نیری، جواد، ۱۳۸۵، «امامزاده معصوم مراغه معبد مهرپرستی ایران و نشان‌ها در معابد اروپایی». مطالعات ایرانی، سال ۵، شماره ۱۰، صص: ۱۲۵-۱۰۹.
- شورتهایم، المار، ۱۳۷۱، گسترش یک آئین ایرانی در اروپا. ترجمه نادرقلی درخشانی، تهران: انتشارات مهر.
- شیلا بلر، اس، و بلوم، جان‌تان ام، ۱۳۸۲، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانیان و تیموریان. ترجمه سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، جلد ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صالحی، کورش؛ مرسلپور، محسن؛ و کول‌آبادی، فاطمه، ۱۳۹۳، «جایگاه بوداییان در ساختار حکومت ایلخانی». مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۴، شماره ۱، صص: ۷۷-۹۲.
- قربان‌نژاد، پریسا، ۱۳۹۲، «رشد تشیع و افول تصوف خانقاهی در آذربایجان دوره شاه طهماسب صفوی». مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۳، صص: ۱۰۴-۸۹.
- قزوینی، ذکریا بن محمد، ۱۳۷۳، آثار العباد اخبار البلاد. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۵۰، ابنیه و آثار تاریخی مراغه. تبریز: اداره کل آموزش و پرورش.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۳، «بررسی‌های باستان‌شناسی آذرشهر و مراغه، حرفی دیگر درباره ساختمان چند خانقاه و مسجد». مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۲، صص: ۱۴۰-۱۶۳.
- کریمیان، حسن؛ و احمدی، عباسعلی، ۱۳۹۴، «باستان‌شناسی فضایی رویکردی علمی در مطالعه و تحلیل آثار معماری فضاها و شهرهای بافت‌های کهن». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۲، صص: ۱۱۶-۱۰۳.
- کریمیان، حسن، ۱۳۸۴، «ضرورت بهره‌گیری از تئوری‌های جدید در تحلیل ساختار فضایی بافت‌های کهن». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۱۷۲، صص: ۱۲۱-۱۱۱.
- کیانی، محسن، ۱۳۶۹، تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
- لباف‌خانکی، میثم، ۱۳۹۱، «تحلیل تطبیقی یک فرم خاص در معماری دستکند». مجله اثر، شماره ۵۸، صص: ۱۰۸-۹۴.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و همتی‌ازندریانی، اسماعیل، ۱۳۹۵، «مطالعه و بررسی معماری دستکند ایران». مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۶، صص: ۹۷-۱۱۰.
- مخلصی، محمدعلی، ۱۳۷۱، فهرست بناهای تاریخی آذربایجان. تهران: انتشارت سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مرادی، امین؛ موسوی‌حاجی، سید رسول؛ و عمرانی، بهروز، ۱۳۹۴، «مطالعه تطبیقی و ریخت‌شناسی محراب‌های ایلخانی آذربایجان». مجموعه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند: دانشگاه بیرجند، صص: ۱-۱۸.
- هیلن‌براند، رابرت، ۱۳۸۰، معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.
- ورجاوند، پرویز، ۱۳۵۱، «ستایشگاه صخره‌ای امامزاده معصوم ورجووی». بررسی‌های تاریخی، سال ۷، شماره ۵، صص: ۹-۳.
- ورمازرن، مارتن، ۱۳۸۳، آئین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: انتشارات نشر چشمه.

- AliJabbari, Z., 2017, "Analyzing Architecture of Mithraism Rock Temples". *Journal of History Culture and Art Research*, No. 6(3), Pp: 1030-1042.

- Azad, A., 2010, "Three Rock-Cut Cave Sites in Iran and their Ilkhanid Buddhist Aspects Reconsidered". In: *Islam and Tibet-Interactions along the Musk Routes* (Pp: 223-244). Routledge.

- Ball, W., 1979, "The Imamzadeh Masum at Vardjovi: A Rock-Cut Ilkhanid Complex near Maragheh". *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, No. 12, Pp: 329-340.

- Bier, L., 1986, "The Masjid-i Sang near Dārāb and the Mosque of Shahr-i Īj: Rock-Cut Architecture of the Il-Khanid Period". *Iran*, No. 24(1), Pp: 117-130.
- Drouville, G., 1825, *Voyage en Perse, fait en 1812 et 1813* (Vol. 1). Paris: Librairie nationale et étrangère.
- Khan, N., 2012, "Architecture of the Rock-Cut Temples of Masroor". Editorial 4, *History and Archaeology*, Pp: 30-43.
- Morgan, D., 2015, *Medieval Persia 1040-1797*. Routledge.
- Nakamura, Y. & Okazaki, S., 2016, "The Spatial Composition of Buddhist Temples in Central Asia". Part 1: *The Transformation of Stupas*, Vol. 6, Pp: 31-43.
- Naweed, H., 2013, *Art Through the Ages in Afghanistan*. Author House.
- Nricpt, 2013, *Structure, Design and Technique of the Bamiyan Buddhist Caves, Recent Cultural Heritage Issues in Afghanistan*. Vol. 5, National Research Institute for Cultural Properties, Tokyo, Archetype Publications.
- Smith, R. M., 1975, "Bead And Reed in India". *East and West*, No. 25, Pp: 438-439.
- Steinhardt, N. S., 1998, "Liao archaeology: Tombs and ideology along the Northern frontier of China". *Asian Perspectives*, Pp: 224-244.
- Toynbee, J. M., 1971, *Death and burial in the Roman world*. JHU Press.
- Vardjavand, P., 1975, "The Imāmzāde Ma'sum Varjuvī near Marāgha". *East and West*, No. 25(3/4), Pp: 435-438.
- <https://www.alamy.com> Bamiyan Buddha Stock Photos and Images.